ماتیکان فرهنگی

سی گفتار در فرهنگ و ادب

تألیف

پرویز اذکائی (سپیتمان)

سرشناسه اذکائی، پرویز، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور ماتیکان فرهنگی: سی گفتار در فرهنگ و ادب/تألیف پرویز اذکائی (سپیتمان).
مشخصات نشر تهران: انتشارات دکترمحمود افشار با همکاری نشر سخن، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری ۶۱۶ص.
فروست مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی دکترمحمود افشار؛ ۲۰۰. گنجینهٔ کلیات و مقالات؛ ۶۶.
شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۴۲-۷۱-۲
وضعیت فهرست نویسی فیپا
موضوع فرهنگ ایرانی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع Culture, Iranian -- Addresses, essays, lectures
موضوع ادبیات فارسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع Persian literature -- Addresses, Essays, Lectures
رده بندی کنگره DSR۶۳/الف۴۴۲ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی ۹۵۵/۰۰۴۴
شماره کتابشناسی ملی ۵۱۰۸۵۲۴

ماتیکان فرهنگی

سی گفتار در فرهنگ و ادب

ماتیکان فرهنگی

سی گفتار در فرهنگ و ادب

تألیف

پرویز اذکائی (سپیتمان)

۲۰۰

مجموعهٔ انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۶۶]
گنجینهٔ کلیات و مقالات

هیأت گزینش کتاب و جوایز

دکتر سید مصطفی محقق داماد ـ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی ـ دکتر ژاله آموزگار ـ دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری ـ دکتر فتح الله مجتبایی ـ دکتر محمود امیدسالار ـ کاوه بیات
دکتر محمد افشین‌وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار ـ دکتر سید جعفر شهیدی ـ دکتر جواد شیخ‌الاسلامی ـ دکتر اصغر مهدوی ـ دکتر یحیی مهدوی

ماتیکان فرهنگی

سی گفتار در فرهنگ و ادب

تألیف **پرویز اذکائی** (سپیتمان)

گرافیست، طراح و مجری جلد کاوه حسن‌بیگلو

لیتوگرافی کوثر
چاپ متن آزاده
صحافی فرد
تیراژ ۷۷۰ نسخه
چاپ اول بهار ۱۳۹۷

ناشر **انتشارات دکتر محمود افشار**
خیابان ولی‌عصر، بالاتر از چهارراه پارک‌وی، خیابان عارف‌نسب
تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶
با همکاری انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۵ـ۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲
تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها
۵ـ۶۶۹۵۳۸۰۴

شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس ـ رئیس دیوان عالی کشور ـ وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)

وزیر بهداری (وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) ـ رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق مادهٔ ۲ وقفنامه)

متولیان منصوص

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) ـ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی ـ بازرس)

سید محمود دعایی ـ دکتر علی‌محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)

ساسان دکتر افشار ـ آرش افشار (بازرس)

موسسهٔ فرهنگی هنری دکتر محمود افشار

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) ـ دکتر محمد افشین‌وفایی (مدیر عامل) ـ آرش افشار (بازرس)

درگذشتگان

دکتر مهدی آذر ـ حبیب الله آموزگار ـ دکتر جمشید آموزگار ـ کریم اصفهانیان

ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) ـ مهر بانو دکتر افشار

مهندس نادر افشار ـ بهروز افشار یزدی ـ دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)

دکتر جواد شیخ الاسلامی ـ اللهیار صالح ـ دکتر منوچهر مرتضوی ـ دکتر اصغر مهدوی ـ دکتر یحیی مهدوی ـ دکتر محمدعلی هدایتی

به‌نام پروردگار

یادداشت واقف

اول

طبـق مـادهٔ ۲۳ وقفنامهٔ اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷هـ. ش. درآمـد باید صرف ترجمه و تألیف و چـاپ کتب و رسـالات که بـا هدف این موقوفات موافق باشـد و همچنین کمک بـه مجلهٔ آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملّی طبق مادهٔ ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می‌باشد. بنابراین کتبی که با بودجهٔ این موقوفات منتشر می‌شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق مادهٔ ۲۶ مقداری از کتب و رسـالات چاپ‌شـده با بودجهٔ ا ین موقوفـات باید به‌طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چـون نظـر بازرگانی در انتشـارات این موقوفات نیسـت و تـا حدّی تحمل زیان هم جایز اسـت طبـق مـادهٔ ۲۷ وقفنامـه هیچ کتاب و رسـاله نباید کمتر از قیمت تمام‌شـده و همچنیـن مبلغی زائد از بهـای تمام‌شـده با افزایش صدی ده تا بیسـت و پنج قیمت‌گذاری شـود... ایـن افزایش ۲۵ درصد به واسـطهٔ حداقل حق‌الزحمهٔ فروشـندگان و هزینه‌ای اسـت که برای پسـت و غیره تحمیل می‌شود. از کتابفروشـان تقاضـا داریم که در این امر خیـر ملّی که ابداً جنبهٔ تجارتی ندارد با ما یاری و تشـریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت‌نامهٔ دوم (مورّخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت‌نامهٔ دهخدا و محل مؤسسهٔ باستان‌شناسی به‌طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق مادهٔ دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوائز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق مادهٔ ۳ موافقت‌نامهٔ نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک‌نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیتهٔ انتشارات بنیاد معیّن شده باشد برای سرپرستی ادارهٔ امور جوائز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیتهٔ نامبرده معیّن شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

چون نگارندهٔ این سطور به واسطهٔ کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملّی همهٔ ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروّج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافهٔ پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانهٔ خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابلهٔ عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفتهٔ منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفتهٔ نظامی گنجوی:

چو نتوان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العادهٔ سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلّم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معاملهٔ مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم‌مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیدهٔ ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیدهٔ خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زیان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکملهٔ منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.

دکتر محمود افشار
آذر ماه ۱۳۶۲

نزدیک به ده سال است که از تدوین و گردآوری مجموعه رسالات و گزینه مقالات اینجانب (در پنج مجلد موضوعی) به عنوان ماتیکان‌ها می‌گذرد. دو سه ناشر دولتی و ملّتی در طبع و نشر آنها تمهل یا تعلّل کردند. سرانجام علمای هیأت اُمنای بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی (طاب ثراه) امر انتشار آنها را وجهه همّت عالیه قرار دادند.

سزاست که مراتب امتنان قلبی خویش را به ساحت والای آن فرزانگان فرهیخته عرضه بدارم. خصوصاً از الطاف عمیم سرور دیرینم، حضرت استاد دکتر فتح‌الله مجتبایی (دامت افاضاته) و مساعی بی دریغ فاضل گرامی، دکتر محمد افشین وفایی و دوست دانشورم، دکتر سعید پورعظیمی سپاسگزاری و تشکر می‌کنم.

تمامی مجموعهٔ حاضر را هم به روح پرفتوح دانشمند زنده یاد استاد ایرج افشار که دوست و آموزگار بزرگم بود اتحاف می‌نمایم.

پرویز اذکائی

فروردین ۱۳۹۷

فهرست مطالب

[گفتار] [صفحه]

○. مقدّمهٔ کتاب ..... ز-ح

۱. مردم‌شناسی در ایران ۱ـ۱۹

۲. مردم‌نگاری مقدسی بیاری ۲۱ـ۶۴

ـ پیش‌گفتار ۲۱ـ۲۶

۱). نام و نسبت مقدسی ۲۶ـ۲۸

۲). مذهب و گرایش سیاسی ۲۸ـ۳۱

۳). کتاب ***احسن‌التقاسیم*** ۳۱ـ۳۳

۴). بنیاد کتاب و انتقاد ۳۴ـ۳۷

۵). روش پژوهش و مشاهده ۳۷ـ۴۳

۶). سبک نگارش کتاب ۴۳ـ۴۴

۷). سخن دیگر پیرامون کتاب ۴۴ـ۴۵

۸). دربارهٔ مطالب کتاب ۴۵ـ۴۷

۹). گزیده‌هایی از کتاب ۴۷ـ۶۲

ـ یادداشت پیوست ۶۲ـ۶۳

۳. مزارشناسی در ایران ۶۵ـ۸۷

۴. دانشواژه‌های اجتماعی ۸۹ـ۱۰۵

۵. افسانهٔ گیل‌گمش سومری ۱۰۷ـ۱۱۸

۶. حقیقت امر اساطیر میانرودانی ۱۱۹ـ۱۳۱

۷. ایندرا هندی **۱۴۶ـ۱۳۳**

۸. «تیر» مادی **۱۵۸ـ۱۴۷**

۹. هپتو ایرنگه (= هفت اورنگ) **۱۶۸ـ۱۵۹**

۱۰. افسانهٔ دو همزاد **۱۷۵ـ۱۶۹**

۱۱. مزدا ددار **۱۸۴ـ۱۷۷**

۱۲. اهرمنِ زَدار **۱۹۲ـ۱۸۵**

۱۳. رسالهٔ زروانی علمای اسلام **۲۱۳ـ۱۹۳**

I). پیشگفتار ۱۹۸ـ۱۹۳

II). متن رساله ۲۰۹ـ۱۹۹

III). پیوست‌ها ۲۱۳ـ۲۱۰

۱۴. مانی وخشور (به‌روایت ابن‌ندیم) **۲۲۱ـ۲۱۵**

۱۵. مانویّت در البحار (مجلسی) **۲۲۷ـ۲۲۳**

۱۶. بازیاری و شکره داری **۲۳۸ـ۲۲۹**

۱۷. بازنامه‌های فارسی و عربی **۲۴۸ـ۲۳۹**

الف). بازنامه‌های عربی ۲۴۳ـ۲۴۱

ب). بازنامه‌های فارسی ۲۴۶ـ۲۴۳

ـ پیوست ۲۴۸ـ۲۴۷

۱۸. گزارشی دربارهٔ شطرنج **۲۸۰ـ۲۴۹**

الف). اخبار (ـ شطرنجیان) ۲۶۳ـ۲۴۹

ب). اشعار (ـ شطرنجیات) ۲۷۳ـ۲۶۳

ج). آثار (ـ کتابشناسی) ۲۸۰ـ۲۷۳

۱۹. وقف در ایران باستان **۲۸۷ـ۲۸۱**

۲۰. ماده و معنای کتاب **۳۱۳ـ۲۸۹**

۱). مواد کتابت ۲۹۸ـ۲۹۰

۲). نامه و کتاب ..... ۲۹۸_۳۰۳
۳). دبیر و دیوان ..... ۳۰۳_۳۱۱
۴). گنجور و کتابدار ..... ۳۱۱_۳۱۳

۲۱. ابن‌ندیم و خطوط قدیم ..... ۳۱۵_۳۳۸
ـ پیوست گفتار ..... ۳۲۷_۳۲۸
ـ تصاویر خطوط ..... ۳۲۹_۳۳۸

۲۲. خط / دبیره / نویسه ..... ۳۳۹_۳۴۸

۲۳. رسالهٔ کاغذها و رنگها (آقا رضی) ..... **۳۴۹_۳۶۴**

۲۴. دانشگاه جُندیشاپور ..... ۳۶۵_۳۶۹

۲۵. بعضی دانشخانه‌های قدیم ..... ۳۷۱_۳۷۹
الف). کتابخانه‌ها ..... ۳۷۱_۳۷۵
ب). خانه‌های دانش ..... ۳۷۶_۳۷۹

۲۶. کتابخانهٔ بریتانی ..... ۳۸۱_۴۱۹
□ موزهٔ بریتانیا ..... ۳۸۲_۳۸۵
الف). بخش علوم انسانی ..... ۳۸۵_۳۹۰
ب). بخش علم و فن‌شناسی ..... ۳۹۰_۳۹۳
ج). بخش اداری و خدمات ..... ۳۹۳_۳۹۷
□ بخش شرقی ..... ۳۹۷_۴۱۸
(ـ مجموعه‌ها ..... ۳۹۸_۴۱۰
(ـ دیوان هند ..... ۴۱۱_۴۱۸

۲۷. بنیاد افسانهٔ شیرین و فرهاد ..... ۴۲۱_۴۶۵
ـ درآمد ..... ۴۲۳_۴۲۴
۱). شوملیا کاسیایی ..... ۴۲۴_۴۲۹
۲). سمیرامیس آشوری ..... ۴۲۹_۴۳۵
۳). شیرین ارمنی ..... ۴۳۵_۴۵۱
۴). فرهاد حکیم ..... ۴۵۱_۴۵۵

۵). تیر مادی ۴۵۵ـ۴۵۷
ـ یادداشت‌ها ۴۵۸ـ۴۶۵

۲۸. تاریخچهٔ فهلوی ۴۶۷ـ۵۲۷
۱). زبان مادی ۴۶۸ـ۴۷۲
۲). زبان پهلوی ۴۷۲ـ۴۷۶
۳). شهرهای پهلوی ۴۷۷ـ۴۸۷
۴). سبک مادی ۴۸۷ـ۴۹۶
۵). فهلویات باقی ۴۹۶ـ۵۰۵
۶). گویش‌های فهلوی ۵۰۵ـ۵۱۲
۷). ویژگی‌های دستوری ۵۱۲ـ۵۱۷
۸). وزن‌های فهلوی ۵۱۷ـ۵۲۲
ـ مستدرکات و اضافات ۵۲۲ـ۵۲۷

۲۹. منشأ مناظره‌های ادبی ۵۲۹ـ۵۳۷

۳۰. ماتیکان فرهنگ جبهه ۵۳۹ـ۵۴۳

○. نمایگان ۵۴۵ـ۵۹۱
۱). نامنامه (اَعلام اَشخاص و اَمکنه و نسبتها) ۵۴۷ـ۵۷۷
۲). واژه‌نامه (موضوعات و مصطلحات و کتب) ۵۷۹ـ۵۹۱

به نام خدا

ای بُرده دلم به غمزه، جان نیز ببر
بردی دل و دین، نام و نشان نیز ببر
گر هیچ «اثر» بماند از من به جهان
تأخیر روا مدار، آن نیز ببر

[عین‌القضات همدانی]

مقدّمهٔ کتاب

در مختصر حَسَبِ حال اینجانب آمده است که تا سال ۱۳۸۵، بیش از ۴۰۰ عنوان اثر بدین خامه طبع و نشر شده، که عبارت است از / ۴۰ کتاب، ۷۰ رسالهٔ تحقیقی مفصّل، و مابقی گفتارهای بلند و کوتاه در دائرةالمعارف‌ها و نشریات معتبر است.

این مقدار «نوشتجات» تاکنون (سال ۱۳۸۷) حاصل تقریباً پنجاه سال نویسندگی است، که از جملهٔ آنها در این آخر عمری /۱۷۰ رساله و مقالهٔ بلند برای «مجموعه مقالات» خود گزین کردم، و آنها را مطابق با اصول طبقه‌بندی موضوعی در پنج جلد تدوین نمودم؛ پس بر هر مجلّدِ موضوعی عنوان

«ماتیکان» ـ یعنی: «مجموعه آثار یا مقالات» نهادم *، از این قرار:

□ . ***ماتیکان فلسفی*** (بیست گفتار دربارهٔ حکمت و عرفان).

□ . ***ماتیکان علمی*** (سی گفتار در تاریخ علم ایران).

□ . ***ماتیکان فرهنگی*** (سی گفتار در فرهنگ و ادب).

□ . ***ماتیکان کتابگزاری*** (چهل گفتار در بررسی و نقد کتاب).

□ . ***ماتیکان تاریخی*** (پنجاه گفتار دربارهٔ مسائل تاریخی) که این مجموعه شامل ۵ بخش است: ۱). جغرافیای تاریخی، ۲). خاندان‌ها و رجال، ۳). نگره‌های تاریخی، ۴). برخی تاریخنگاران، ۵). تاریخ سیاسی.

اینک، از جملهٔ پنج مجلّد مزبور، مجموعه مقالات (= ***ماتیکان*** ***فرهنگی***، تقدیم حضور علاقه‌مندان به این رشته از معرفت می‌شود.

پ. اذکائی (سپیتمان)
همدان

WWW.Azkaei_Parviz_Spitman.com

Email: Pazkaei@yahoo.com

*. «ماتیکان» واژه‌ای است پهلوی (مانند: ***ماتیکان هزار داتستان***، ***ماتیکان مینوی خرد***، و ...) در فارسی میانه دقیقاً به معنای «مواد و مصالح، اصول اَسناد، متون موثّق» (ثبت و ضبطها / نوشتجات) و «مجموعه مقالات» (برابر با Opera Minora یا Collection / Mélanges) که در مقدمهٔ کتاب «***ماتیکان عین‌القضات همدانی***» (۱۳۸۱) ریشه‌شناسی و پیشینهٔ کاربرد آن را فرا نموده‌ام، امروزه دیده می‌شود که کمابیش تداول یافته است.

ـ۱ـ
مردم‌شناسی در ایران*
(نگاهی به‌تاریخچهٔ آن)

کلمهٔ «مردم‌شناسی» در عرف عامّه بیشتر معنای اخلاقی می‌دهد، یعنی شناختن مردم و ارزش آنان از لحاظ اخلاقی. لیکن در روزگار ما این واژه معنای اصطلاحی مفصّلی پیدا کرده، و موضوع آن در ردیف نخستین علوم اجتماعی قرار گرفته؛ چنانکه مؤلفان فرهنگنامه‌های جامعه‌شناسی تعاریف دقیقی برای آن آورده‌اند.

دانسته است که واژه‌ی مردم‌شناسی در فارسی معادل Anthropologie فرنگی است که خود از دو واژه‌ی یونانی: Anthropos به معنای «انسان» و Logos به معنای «دانش و معرفت» ترکیب یافته، و نخستین بار در آثار **ارسطو** به همین معنای «شناخت انسان» به کار رفته است؛ گرچه کاربرد واژه‌ی مردم، امروزه به معنای «قوم» عربی و Peuple فرنگی هم به کار می‌رود. اتفاقاً این دو جنبه داشتن کلمه‌ی مردم که هم به معنای انسان و هم به معنای «قوم» به کار می‌رود بسیار مناسب و به جا افتاده است، چه اینکه یکی از شاخه‌های مهم دانش «مردم‌شناسی» همان «قوم‌شناسی» است که به فرنگی Ethnologie گویند.

«باری، **علوم اجتماعی** که قوانین حرکات بخشی از مادهٔ جان‌دار را ـ که انسان نام دارد و همواره به صورت اجتماعی زیست می‌کند ـ می‌جوید، خود بدو بخش خاص و عام تقسیم می‌شود:

---

*. این گفتار که در «مقدمهٔ» خطابهٔ **دکتر محمود خلیقی** (مدیر مرکز پژوهشهای مردم‌شناسی و فرهنگ عامّه) در کنگرهٔ «راهنمایان فرهنگی» (خرداد ۱۳۵۳) آمده، هم در ***مجلّهٔ مردم‌شناسی و فرهنگ عامّهٔ ایران***، شمارهٔ اول / تابستان ۱۳۵۳ (ص ۲ـ۱۴) چاپ شده است.

۱). علوم اجتماعی خاص حوزه‌های معینی از جریان‌های اجتماعی را می‌کاوند، مانند: اقتصادشناسی، سیاست‌شناسی، حقوق‌شناسی و روانشناسی.

۲). علوم اجتماعی عام، به یاری علوم اجتماعی خاص، جریان‌های عمومی جامعه و روابط سازمان‌های گوناگون زندگی اجتماعی را کاوش می‌کنند.

این علوم شامل «مردم‌شناسی» و «تاریخ‌شناسی» یا علم تاریخ، و جامعه‌شناسی است. این سه علم از یکدیگر مستقل نیستند. اینک از میان تعاریف گوناگون و نزدیک بهم، در تعریف مردم‌شناسی گوییم: **علم زندگی اجتماعی انسان است در مراحل ابتدائی.** مردم‌شناسی با مطالعهٔ آثار انسان‌های نخستین و زندگی جوامع ابتدائی، درصدد شناخت جریان تطورات زیستی و اجتماعی انسان برمی‌آید و شامل دو بخش است: مردم‌شناسی جسمانی یا مردم‌شناسی بدنی، و مردم‌شناسی اجتماعی یا مردم‌شناسی فرهنگی که مسامحةً قوم‌شناسی گفته می‌شود. وظیفهٔ مردم‌شناسی جسمانی شناخت و طبقه‌بندی گروه‌های انسانی است از لحاظ بدنی و جغرافیایی.

کار مردم‌شناسی اجتماعی یا مردم‌شناسی فرهنگی و قوم‌شناسی، بررسی منشأ انسان و سیر جامعه‌های ابتدائی است. مردم‌شناسی اجتماعی شاخه‌های متعدد دارد، از آن جمله‌اند: باستان‌شناسی یا بررسی جامعه‌های پیش از تاریخ، قوم‌نگاری یا تشریح مختصات یکایک جامعه‌های ابتدائی، زبان‌شناسی یا بررسی و تجزیهٔ اصوات و لغات و قواعد زبانها، و تکامل‌شناسی که به وسیلهٔ سنگواره‌ها، منشأ تکامل انسان را مورد تحقیق قرار می‌دهد.

علوم اجتماعی عام و شاخه‌های آن با وجود تفاوت‌هائی که دارند، دارای مرزهای مشخصی نیستند. مردم‌شناسان اجتماعی گاهی علم خود را علم انسان Science of man می‌خوانند و جامع‌ترین علم اجتماعی می‌شمارند، و تاریخ‌شناسی و جامعه‌شناسی را مشمول آن می‌دانند و گاهی مردم‌شناسی فرهنگی و قوم‌شناسی را از مردم‌شناسی اجتماعی تفکیک می‌کنند. برخی از مردم‌شناسان برای مردم‌شناسی جسمانی موضوعی بسیار محدود قایل می‌شوند و آن را معادل مردم‌سنجی محسوب می‌دارند. ولی برخی دیگر مردم‌شناسی جسمانی را چندان می‌گسترند که زیست‌شناسی انسانی را هم در بر می‌گیرد. همچنین برخی از محققان، علم تاریخ را اعم از مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌انگارند، و بسیاری از جامعه‌شناسان علم خود را جامع تاریخ‌شناسی و مردم‌شناسی می‌پندارند.

از این گذشته محققان این سه علم درکار یکدیگر مداخله می‌کنند، و هم به یک‌دیگر یاری می‌رسانند. گاهی مردم‌شناسان جامعه‌های متمدن را نیز مورد بررسی قرار می‌دهند، و جامعه‌شناسان مستقیماً به جامعه‌های ابتدایی می‌پردازند، و تاریخ‌شناسان مانند جامعه‌شناسان به کشف قانون‌های کلی جامعه‌های انسانی همت می‌گمارند. در خیلی موارد مردم‌شناسی از قوانین جامعه‌شناسی و تاریخ‌شناسی الهام می‌گیرد، تاریخ‌شناسی از اکتشافات شاخه‌های متعدد مردم‌شناسی مخصوصاً باستان‌شناسی سود می‌جوید، و جامعه‌شناسی مواد مورد لزوم خود را از مردم‌شناسی و تاریخ‌شناسی دریافت می‌دارد.(۱)

گذشته از مردم‌شناسی جسمانی و باستان‌شناسی و مردم‌شناسی اجتماعی یا فرهنگی که به عنوان شاخه‌های مردم‌شناسی یاد کردیم، اخیراً شاخه‌ی دیگری به این علم افزوده شده و آن «مردم‌شناسی فلسفی» یا فلسفه‌ی مردم‌شناسی است که ظاهراً چون روش‌شناسی آن به طورکامل مشخص نشده و نظام منطقی نیافته است، بعضی آن را «فن» دانسته‌اند.(۲) نظر به مشخص نشدن دقیق حدود و ثغور شاخه‌های علوم اجتماعی و مداخله‌ی آنها در یکدیگر، از لحاظ موضوعات مورد مطالعه و تأثیر و تأثرشان و اشتراک روش پژوهشی آنها، مرزبندی موضوعات مردم‌شناسی در اینجا ـ آن هم به اختصار ـ دشوار می‌نماید. لیکن با بیان نظر «پی‌یر بسن‌یه Pierre Bessaignet» حتی‌الامکان ما موضوعات و حوزه‌های مورد مطالعهٔ خود را بی‌توجه به اختلاف عالمان اجتماعی در این‌باره، مشخص می‌کنیم. وی گوید: «مردم‌شناسی تنها دربارهٔ چهار مورد ذیل ممکن است به تحقیق برخیزد:

۱). مطالعهٔ ایلات و عشایر، ۲). مطالعهٔ یک دهکده یا یک جامعهٔ روستایی، ۳). مطالعهٔ یک شهر کوچک (یا قصبه) یا یک محله از محلات یک شهر بزرگ، ۴). مطالعهٔ یک قشر اجتماعی معیّن از یک جامعهٔ بزرگ، مثلاً مطالعهٔ طبقهٔ حاکمه یک جامعه یا دانشجویان یک دانشگاه.»(۳)

---

۱. نقل به اختصار از دکتر آریان‌پور: **زمینهٔ جامعه‌شناسی**، فصل دوم

2. ***A Dictionary of Sociology***- P.8

۳. **روش مردم‌شناسی**، ترجمهٔ دکتر علی محمد کاردان، تهران، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۳، ص ۳.

بدیهی است پژوهش در یک موضوع با حوزه‌ی معین مثلاً مورد نخست، «ایلات و عشایر»، هردو وجه فرهنگی آن حیطه‌ی مطالعاتی را در بر می‌گیرد، یعنی فرهنگ مادی و نیز فرهنگ معنوی آن مورد توجه محقق مردم‌شناس قرار می‌گیرد. در بررسی فرهنگ مادی، نخست بایستی مکان گروه اجتماعی خاص را ـ چه ساکن و چه متحرک ـ مطالعه کرد. در اینجاست که ضرورةً مطالعهٔ جغرافیایی فراپیش می‌آید. بررسی وضع معیشت، حتی به اجمال، ما را به مطالعه‌ی اقتصادی می‌کشاند، و مطالعه‌ی اقتصادی، باعث شناختن زیرساخت اجتماعی و نهادهای گروه می‌گردد. هم‌اینجاست که نیروهای تولیدی و روابط تولیدی به ناگزیر مورد مطالعهٔ مردم‌شناسی قرار می‌گیرند.

وضع مسکن و اینکه اجتماع کوچ‌نشین است یا یکجانشین نظر محقق را جلب می‌کند، و این امر اصولاً جزو موضوعات مهم تحقیقات مردم‌شناسی است؛ و چون به عنوان جزءِ استقرایی پژوهش اجتماع، قاعدةً واحد آن اجتماع یعنی خانواده مورد مطالعه واقع می‌شود، ناچار مناسبات خانوادگی و نیز روابط و نقش آن در تولید و در روابط تولیدی جامعه، و به طور کلی پیوندها و مناسبات اغلب پیچیده و همبستگی‌های اجتماعی بررسی می‌شوند. هم‌چنین است، چگونگی پوشاک و خوراک و....

مختصر اینکه، بررسی اوضاع و احوال زیرساختی یک گروه اجتماعی یا بعبارت بهتر «فرهنگ مادی» آن، ضرورةً «بررسی فرهنگ معنوی» را ـ که زاده و برخاسته‌ی فرهنگ مادی است ـ همدوش و همزمان با پژوهش آن پیش می‌آورد. در بررسی فرهنگ معنوی است که پدیده‌هایی چون زبان و گویش و معتقدات دینی و مذهبی، ادبیات شفاهی ـ و گاهی کتبی ـ شامل قصه‌ها و افسانه‌ها و ترانه‌ها و آهنگها و جز اینها که برروبهم با فرهنگ مادی در رابطهٔ تأثیر و تأثر متقابل‌اند، در موضوعات مردم‌شناسی قرار می‌گیرند.

نظر به تعریف مردم‌شناسی، یا یکی از تعاریف آن، چون این پدیده‌های مادی و معنوی مربوط به انسان‌هایی است که در مراحل ابتدایی‌اند و هیچ یا چندان به شهرنشینی به معنای خاص و عملی امروزی آن تطوّر نیافته‌اند، لذا پدیده‌های معنوی آنان ـ از جمله ـ چون داخل در فرهنگ شهروندانه‌ی مضبوط و نیز مکتوب نگردیده، و عناصر عینی و ذهنی آنها به گونه‌ی شناخته‌ی رسمی شده درنیامده، ناچار نام فرهنگ نامدوّن و گاهی هم شفاهی بخود می‌گیرد. اینک گوییم مجموعه‌ای این چنین همبسته از پدیده‌های فرهنگی مردم یک سرزمین و ویژگی‌های آنها که مورد بررسی و شناخت مردم‌شناسانه

واقع می‌شود، همان است که «دانش توده» یا به اصطلاح رایج «دانش عوام» و «فرهنگ عوام» نام داده‌اند. هم از اینروست که «فولکلور» در مقوله‌ی مردم‌شناسی قرار می‌گیرد، و از لحاظ طبقه‌بندی علوم اجتماعی نیز «فرهنگ عامّه» جزو و شاخه‌یی از علم «مردم‌شناسی» است.

✦✦✦

با اینکه مردم‌شناسی، بنابرروش علمی آن، ظاهراً از علوم جدید و پدید آمده در غرب بشمار می‌رود، لیکن آنچنان ناگهانی و نوپدید نیست که ریشه‌هایی در گذشته‌های تاریخی فرهنگ بشری و پیشینه‌یی در معارف شرقی و غربی نداشته باشد. چه، پیش از آنکه دانشمندان و محققان دورهٔ معاصر در راه شناخت اقوام و طرز زندگی و فکر و فرهنگ آنان این همه پیش رفته باشند، مورخان و محققان دوره‌های پیشین با مشاهدات و مطالعات و تحقیقات خود درباره‌ی اقوام و ملل مختلف در همین راه گام برداشته‌اند. اهمیت و ارج کار آن محققان کنجکاو و فداکار در روزگاران کهن چندان است که با نبودن وسایل کافی برای مسافرتها، دلیرانه با پیشواز کردن خطرها در سرزمین‌های ناشناخته‌ی اقوام و ملل بیگانه، محصول سالها رنج سفر و اقامت خود را برای پژوهندگان امروز به یادگار گذاشته‌اند.

«هومر» (سده‌ی نهم پیش از میلاد) در دو اثر حماسی ***«ایلیاد»*** و ***«اودیسه»***، آنجا که حقیقت و افسانه را درهم آمیخته، علاوه برذکر وقایع رزمهای اقوام یونانی، ویژگی‌های اخلاقی آنان را بازگو کرده، موقعیت‌های جغرافیایی و شیوه‌ی زندگی و آداب و رسوم و چگونگی رزم‌آزمایی آنان را نموده است. هانون (سده‌ی پنجم پیش از میلاد) دریانورد کارتاژی در مأموریت اکتشافی خود از سوی دولت کارتاژ، حاصل مطالعات خود را در مورد اقوام و قبایل کرانه‌های افریقا از آداب و رسوم و ویژگی‌های جغرافیایی و ملی مردمان به نحوی دقیق برای آیندگان بجای نهاده، چندان که مورد تمجید «مونتسکیو» ـ که خود از پیشروان علوم انسانی است ـ قرار گرفته است.

همچنین «هردوت» (۴۲۵ـ۴۸۴ پیش از میلاد) مورخ یونانی و پدر علم تاریخ، با دقت و وسعت در مدنیّت ملتها سیر کرده، و با مشاهده‌ی عینی در اقوام و ملل، عقاید و آراء و آداب و نهادهای اجتماعی مصریان و بابلیان و ایرانیان و دیگر ملتهای مشرق را برقلم آورده است. اگرچه «ارسطو» توجهی به علوم اجتماعی داشته، و نخستین بار اصطلاح

Anthropologue را بکار برده و عبارت «انسان حیوان مدنی‌الطبع» را پرداخته است، لیکن بنابر روش «قیاس» که در پژوهش‌های عملی خویش پایه‌گذاری کرده، از پژوهش درستین جوامع انسانی بدور گردیده، چه روش مطالعه‌ی اجتماعات ـ چنانکه گذشت ـ استقرایی و مشاهدتی است؛ از اینرو نظریات و بیانات او در این مورد، امروزه مردود شمارده می‌شود.

در دوره‌ی امپراتوری روم، وسعت قلمرو حکومتی و تماس با اقوام و ملتهای گوناگون، رومیان را ناگزیر از شناخت آنان و آشنایی با شیوه‌ی زندگی و روحیات و ویژگی‌های مادی و معنوی، بویژه هنر جنگی‌شان ساخته است. از جمله می‌توان «پولیب» (۱۲۵ـ۲۰۵ پیش از میلاد) و «استرابون» جغرافی‌دان (سده‌ی آخر پیش از میلاد) و «پلین» طبیعی‌دان (سده‌ی نخست میلادی) را یاد کرد. مطالعات «استرابون» بویژه از لحاظ چگونگی احوال و آداب و رسوم و قوانین مردمان درخور اهمیت است.

آنگاه تا پایان قرون وسطی، فعالیت چشمگیری در زمینه‌ی شناخت اقوام و ملل در اروپا دیده نمی‌شود. تنها در مشرق زمین می‌توان از مطالعات قوم‌شناسی «فا ـ هین» جهانگرد چینی نام برد، که در سال ۳۹۹ میلادی با چند تن دیگر آغاز مسافرت کرد و مدت ۱۸ سال به مشاهده و پژوهش احوال و آداب مردمان هند و ترکستان و پنجاب و سیلان پرداخت. در تاریک‌خانه‌ی قرون وسطی، آنگاه که دانشمندان اسلامی در باب «مردم‌شناسی» کارهای شگرف می‌کردند، و به پیشرفت و بالندگی علمی این دانش می‌افزودند، در غرب به آثار قابلی در این زمینه برخورد نمی‌کنیم، جز معدودی مانند «ژان دویلان کارپن» (سده‌ی ۱۲) و «مارکوپولو» (سده‌ی ۱۳ـ۱۴). مسافرت‌های «مارکوپولو»، برای نخستین بار مشرق زمین را با ویژگی‌های گونه‌گون آن به اروپاییان شناساند و سفرنامه‌ی او برای محققان جغرافیایی و قوم‌شناسی سده‌های بعد راهگشا و راهنما شد.

در سده‌ی ۱۴ میلادی برابر هشتم هجری قمری، عبدالرحمان‌بن خلدون، با نگارش تاریخ عمومی خود، به ویژه *مقدمه‌ی* مشهور آن راه را برای علوم اجتماعی و دانش وسیعی ـ که در سده‌ی ۱۹ نام «جامعه‌شناسی» بخود گرفت ـ هموار کرد.

با کشف امریکا در سده‌ی ۱۵ میلادی، جهانی از موضوعات و مباحث جدید بویژه در زمینه‌ی مردم‌شناسی و قوم‌شناسی در پیش دیدگان محققان قرار گرفت. براثر افزایش

روابط اروپاییان با بومیان امریکا و جلب شدن توجه مهاجران و فاتحان و سپس محققان اروپایی به جوامع ابتدایی و چگونگی زندگی و نهادها و ویژگیهای اقوام بومی، رشته‌های جدیدی در شناخت مردمان پیدا شد، که طیّ سده‌های بعد به سیر تکوینی خود ادامه داده، و ما تکامل و اوج این مطالعات را در آثار محققان و مردم‌شناسان سده‌ی ۱۹ مانند «مورگان» و «تایلور» و «بروکا» و جز اینان ملاحظه می‌کنیم.

گویند که «هنری مورگان» مردم‌شناس سده‌ی ۱۹ با مطالعات علمی خود درباره‌ی جوامع ابتدایی و با نگارش «***جامعه‌ی باستانی***» بسال ۱۸۷۷ درواقع به کشف مجدّد امریکا نایل آمد، و فصل نوینی در پژوهشهای قوم‌شناسی گشود. از سده‌ی ۱۹ تا این تاریخ، مردم‌شناسی و قوم‌نگاری مراحل تکاملی خود را در حوزه‌های گوناگونی در سراسر جهان پیموده، مکتب‌های مختلفی پدید آمده و دانشمندان نامدار و محققان سرشناسی در این رشته از دانش بشری به عرصه‌ی وجود آمده‌اند، چندان که تواریخ مفصلی در باب کوشش‌ها و فعالیت‌ها و مطالعات آنان نوشته شده، که از جمله ***تاریخ مردم‌شناسی*** تألیف «هیس» برای علاقه‌مندان به این موضوع بسیار سودمند است.

✦✦✦

چون غلبه بر ملل و به تعبیری جهانگشایی و جهانگیری، به هرحال با مردم‌شناسی و قوم‌شناسی ملازمت داشته است، لذا توان گفت ایرانیان عهد باستان، بویژه هخامنشیان که امپراتوری گسترده و پایداری از هندتا مدیترانه پدید آوردند، بی‌گمان به کار مردم‌شناسی اقوام و ملل تابع پرداخته‌اند. اسناد ایرانی در این باب، همان سنگ‌نبشته‌های داریوش و خشایارشا و اردشیر است که هریک از ملت‌های تابع امپراتوری خود را به نام یاد کرده‌اند. لیکن اسناد یونانی و رومی در این باره گویاتر و مفصل‌تر است. هرودوت فصول مشبعی در خصوص اقوام ایرانی «ماد»ها و «پارس»ها و «سکا»ها و ملتهای تابع امپراتوری پرداخته، ویژگی‌های اخلاقی و اعتقادات و رسوم خاص آنان و نهادهای اجتماعی‌شان را یاد کرده است.

همچنین «گزنفون» و «پلوتارک» و «توسیدید» و «آریان» و جز اینان، که مجموع نوشته‌های آنان، جای‌جای در فصول تاریخ بزرگ ***ایران باستان*** تألیف مرحوم «مشیرالدوله» پیرنیا، نقل شده است، علاقه‌مندان می‌توانند مطالب و مواد مردم‌شناختی

ایـران بـاستان را از آن اثـر، و هـم از ***تـاریخ*** هـرودوت و گـزنفون و دیگـر مـورخـان و جغرافی‌دانان، و نیز از کتاب‌های دیگر تاریخ ایران باستان که طی این سـی چـهل سـال تألیف و ترجمه شده استخراج کنند. بویژه آنکه یافته‌ها و داده‌های باستان‌شناسی ادوار تاریخی ایران کهن به این چنین مطالعه‌یی کمک خواهد کرد.

حقیقت اینکه، پیوستگی اصول باستان‌شناسی با مـردم‌شناسی، در مـورد پـژوهش احوال و آداب انسان‌های گذشته‌ی ایرانزمین و به طور خلاصه اجتماعیات آن روزگاران، چندان است که هرگونه پژوهش تحلیلی باستان‌شناختی در واقع مطالعه‌ی مردم‌شناسانه خواهد بود، از اینرو بـررسی‌های بـاستان‌شناسی و نـتایج حـاصل از کـاوشها در نـقاط مختلف این سرزمین خودبخود مردم‌شناسی فرهنگی یا اجتماعی است درباره‌ی اقوام و مردمان گذشته، که اغلب عناصر عینی و ذهنی زنده و برجایی از خود در نسل‌های پیاپی تا این روزگار باقی نهاده‌اند. شواهد امر بسیار فراوان است که ذکر و بـیان آنـها در ایـن مختصر نمی‌گنجد.

چنین خواهد بود بررسی دوره‌ی اشکانی نیز از این دیدگاه، و هم دوره‌ی ساسانی، لیکن منابع دیگری به کار پژوهش این عهود می‌آید که اشارةً یاد می‌کنیم. ناگفته نماند در عهد ساسانی ما به نام چند تن سیاح و جغرافی‌دان رومی و ارمنی و همچنین مسیحی ـ کشیشان وابسته به کلیسای قسطنطنیه و رُها و نصیبین ـ برمی‌خوریم که در باب تاریخ و جغرافیا و مردم ایران مطالبی نگاشته‌اند، که نام و آثار آنان در کتب تفصیلی تاریخ ایران باستان معرفی گردیده است.

از نظر مطالعات مردم‌شناسی، منابع عمده‌ی مربوط به عهود تاریخی قبل از اسلام ایران، همانا متون دینی مزدیسنا، و نیز روایات و داستان‌های منثور و منظومی است به فارسی، که در عهد اسلامی توسط ایرانیان گردآوری و تـدوین شـده است. از مـطاوی بخش‌های بجای مانده‌ی ***اوستا***، حتی از کهن‌ترین بخش این کتاب مقدس دیـن ایـرانـی ***«گاتا»***ها بسیاری آگاهی‌های سـودمند دربـاره‌ی آداب و رسـوم و چگـونگی زنـدگی و اندیشه‌ی اقوام ایرانی عهد زردشت فرادست آمده است. همچنین قسمت‌های متأخر آن ***«یَسْنا»***ها و فصول گوناگون ***«یشتها»***، جمّ غفیری است از مواد و موضوعات مردم‌شناختی ایرانیان کهن، محتوی بر اصول عقاید، آداب و رسوم، رفتارهای گروهی، آئین‌ها و اعیاد و